

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تَعَلُّم عبادت است. امام خمینی (ره)

## تعلیمات دینی

### دوم دبستان

نیازهای ویژه  
(ذهنی)

تعليمات دینی

دوم ابتدایی

مؤلفین:

ربابه ریاضی – ملک قریب گرانی

اعظم جهانشاد – زهرا فروغی

مینا حسنی



ویراستاری: امیر خزائلی



مدیر هنری: پدرام حکیم زاده



حروفچینی: خدیجه متولی



تصویرسازی: شهرام شیرزادی – علیرضا نجف پور



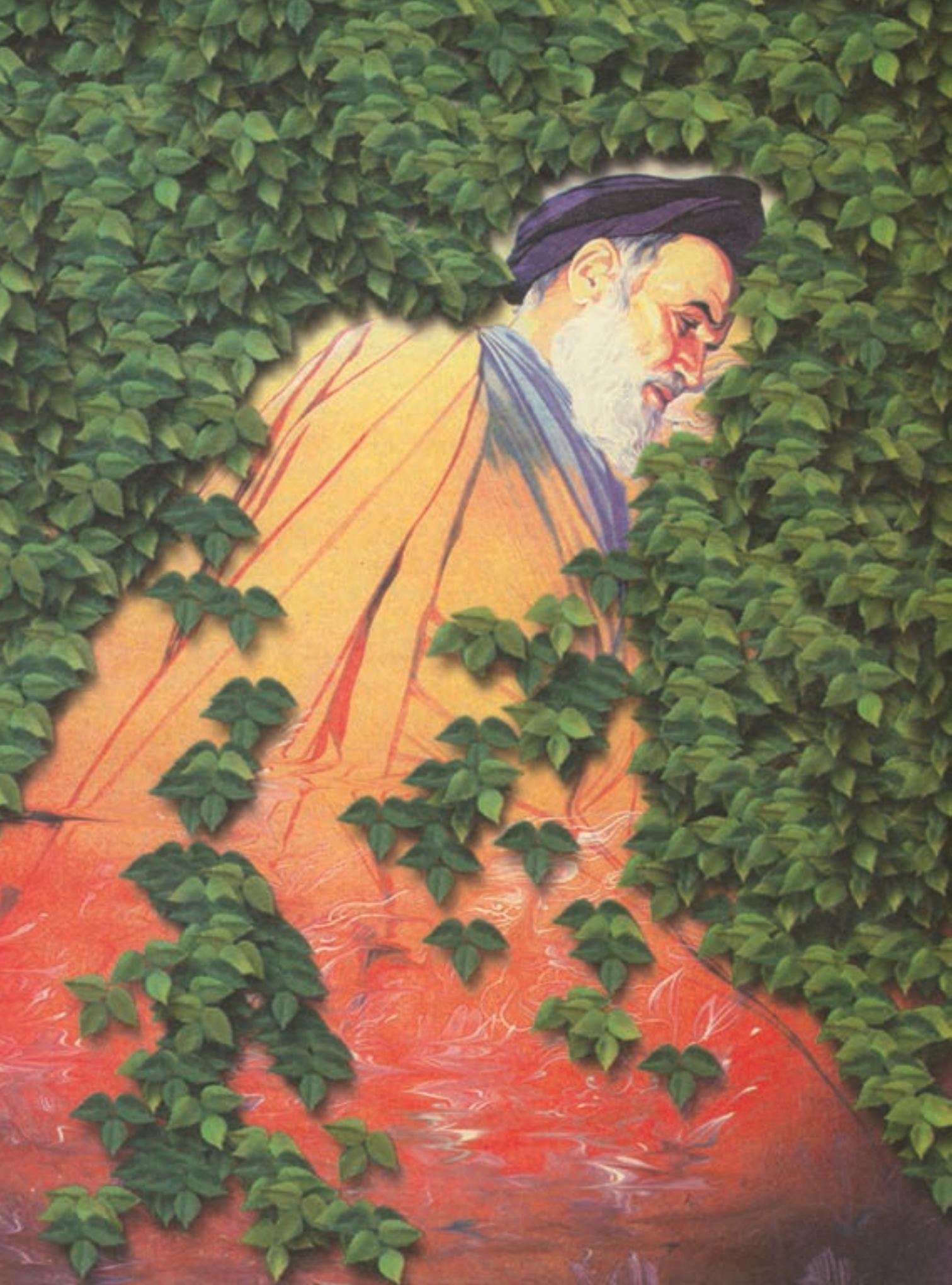
صفحه آرایی: راحله زادفتح الله

طراح جلد: فرشته نجفی



چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام» ([www.Offset.ir](http://www.Offset.ir))

ISBN 964-05-0747-4 شابک ۹۶۴-۰۵-۰۷۴۷-۴



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿... و من احيها فكانما احيا الناس جميعا...﴾

بی سبب نیست که کار معلمان کودکان استثنایی را به «شغل انبیاء و مصلحان بزرگ عالم»، تشبيه کرده اند، چرا که ماهیت تلاش عاشقانه‌ی آنان جهاد در مسیر احیاء انسان‌هاست. موفقیت در این جهاد خداجویانه مرهون تدوین برنامه‌ی درسی متناسب با توانمندی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان استثنایی است به نحوی که نارسایی برنامه‌های درسی و شرایط آموزش و پرورش عمومی برای دربرگرفتن این گروه از دانش‌آموزان حذف آنان از جریان تعلیم و تربیت عمومی را موجب نشود. اینک خدا را شاکرم که پس از مدت‌ها تلاش ایثارگرانه‌ی معلمان و کارشناسان این سازمان بار دیگر به بار نشست و بخش دیگری از مجموعه‌ی برنامه‌های درسی ضروری برای پرورش استعدادهای دانش‌آموزان عزیزی که در یادگیری و نیازها شرایط متفاوتی دارند برای بهره‌گیری آنان به چاپ رسید.

در این راستا محتوای کتب درسی کودکان استثنایی در مدارس ویژه به منظور تمهید زمینه‌های فراغیری مطالب و مهارت‌هایی که دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه‌ی امروز آماده می‌سازد طراحی شده است. امیدوارم تکمیل این حلقه‌های نهایی زنجیره آموزش و پرورش عمومی و حرفه‌ای، با فراهم آوردن کفایت‌های فردی و اجتماعی لازم، آرزوهای عموم معلمان و والدین این کودکان و نوجوانان را جامه واقعیت بپوشد.

بر خود فرض می‌دانم از همه‌ی دست‌اندرکاران تدوین این مجموعه در سازمان و نیز مقام محترم عالی وزارت و دست‌اندرکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به ویژه اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتب درسی که با حمایت‌های خود در برآورده شدن این نیازها و آرزوی معلمان و دانش‌آموزان استثنایی نقش بزرگی را ایفاء کردند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

از آن‌جا که هیچ اثر انسان ساخته‌ای بدون ضعف و کاستی نخواهد بود، مشتاقانه چشم به راه نظریات و پیشنهادهای صاحبان اندیشه و تجربه در جهت ارتقاء کیفیت این برنامه‌ها خواهیم بود.  
و ما توفيقنا الا با... العزيز الحكيم

معاون وزیر و رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی

۱- از فرمایشات مقام معظم رهبری به معلمان استثنایی

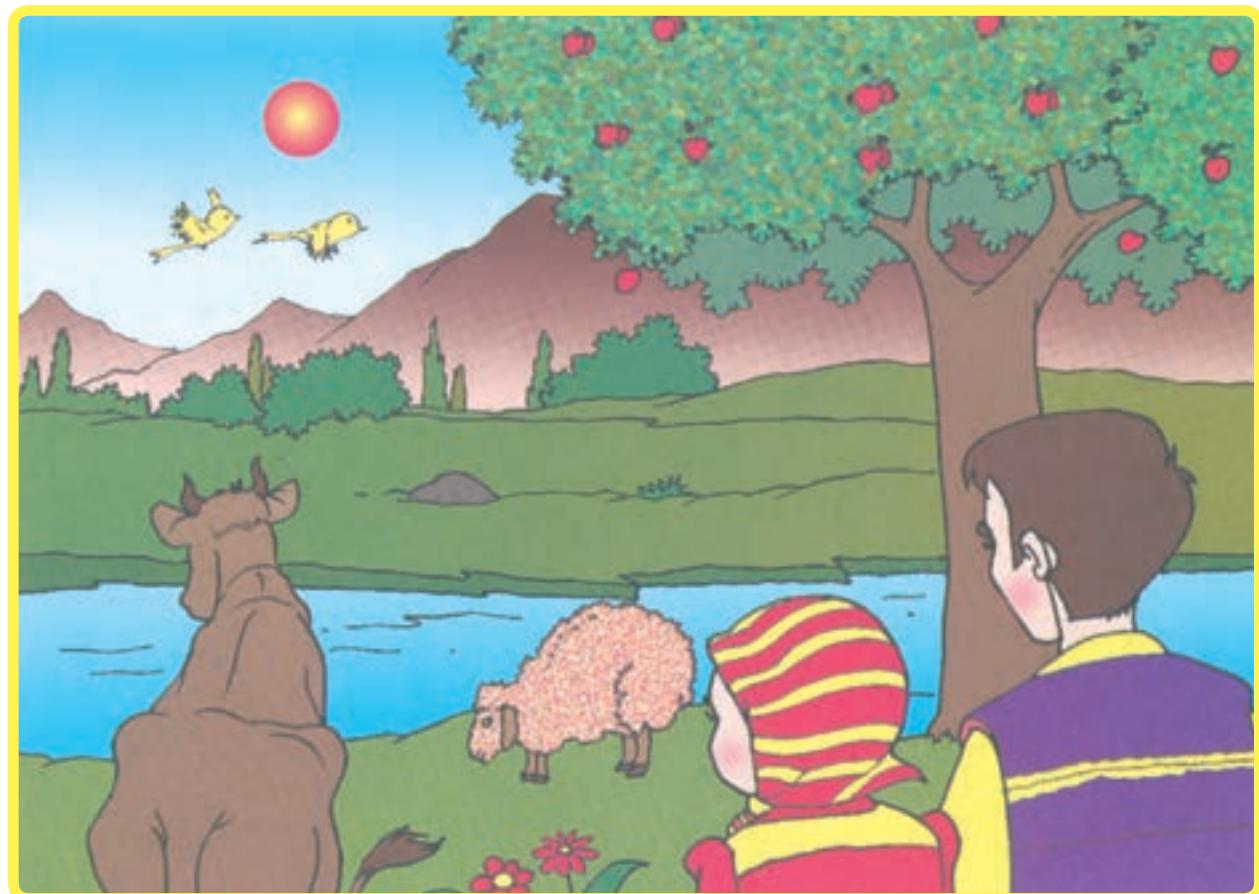
# فهرست

## صفحه

## عنوان

۶	خدا را بشناسیم
۹	من خدا را دوست دارم
۱۱	ما هر کاری را با نام خدا شروع می‌کنیم
۱۴	دختر خوب
۱۷	سلام کردن
۲۰	آداب غذا خوردن
۲۳	پسر پاکیزه
۳۰	پاکیزه باشیم
۳۲	به پدر و مادر خود خوبی کنیم
۳۴	کمک به دیگران
۳۸	راهنما کیست؟
۴۲	پیامبر بهترین راهنمای

## خدا را بشناسیم



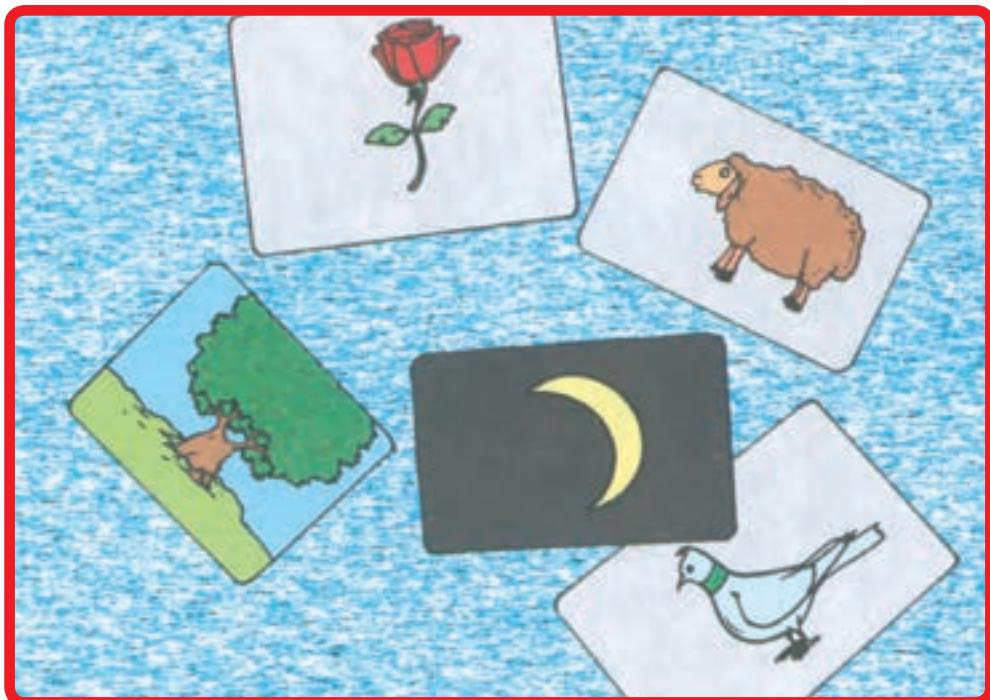
در تصویر بالا، چه چیزهایی می‌بینید؟

در تصویر زیر، شکل‌های رنگ نشده را رنگ کنید.



خدای مهربان، ما را دوست دارد. او همه‌ی این چیزها را به ما داده است.

هر یک از شما چند تصویر از چیزهایی که خدا به ما داده است به کلاس بیاورید.



به کمک آموزگار خود تصویرهایی را که آورده‌اید، روی مقوا بچسبانید.



# من خدا را دوست دارم



پدر بزرگ رضا در روستا زندگی می‌کند. رضا با خانواده‌ی خود در تابستان برای دیدن پدر بزرگ به آنجا می‌رود.  
او وقتی به آن روستا می‌رود، هر روز صبح از خواب بیدار می‌شود و از پنجره به بیرون نگاه می‌کند.



رضا خورشید را در آسمان می بینند. پرنده های زیبا را می بینند. درختان و گل ها  
را می بینند.  
او از دیدن همه‌ی این چیزها لذت می برد و با خود می گوید:  
«خدایا من تو را خیلی دوست دارم! تو خیلی مهربان هستی که همه‌ی این چیزها  
را به ما داده ای!»

کار در کلاس

این داستان را در کلاس تعریف کنید.

## ما هر کاری را با نام خدا شروع می‌کنیم

امیر و زهرا می‌خواستند ناهار بخورند. امیر وقتی می‌خواست خوردن غذا را شروع کند گفت: «به نام خدا»  
زهرا پرسید: برادر جان چه گفتی؟  
امیر گفت: زهرا جان، من گفتم: «به نام خدا»  
ما هر کاری را با نام خدا شروع می‌کنیم تا خدا هم در کارها به ما کمک کند.  
برای همین من خوردن غذا را با نام خدا شروع کردم.



مانند نمونه، در جاهای خالی کلمه‌های مناسب بنویسید.



مریم همیشه خوردن صبحانه را با نام خدا شروع می‌کند.



رضا هر روز صبح با گفتن ..... از خانه بیرون می‌رود.



آموزگار، هر روز، درس را با ..... شروع می کند.



ما هر کاری را با ..... شروع می کنیم.

## دختر خوب



نام این دختر پروین است. او دختر با ادب و خوبی است.



پروین وقتی از خواب بیدار می‌شود، به پدر و مادر خود سلام می‌کند.



پروین در مدرسه به آموزگار و دوستان خود سلام می‌کند.



او در میهمانی به همه سلام می‌کند.

همه پروین را دوست دارند. خدا هم پروین و همه‌ی کودکانی را که سلام می‌کنند، دوست دارد.

در جاهای خالی، کلمه‌های مناسب بنویسید.

## سلام می‌کند – دوست دارد – خوبی

- ۱- پروین دختر با ادب و ..... است.
- ۲- پروین به همه ..... .
- ۳- خدا همه‌ی کودکانی را که سلام می‌کنند، .....

## سلام کردن

روزی، حضرت محمد (ص) و دوستانش در مسجد نشسته بودند و با هم صحبت می کردند. مردی وارد مسجد شد و بدون این که سلام کند پیش آنها نشست.

حضرت محمد (ص) به او فرمود:

«چرا سلام نکردی؟! خوب بود وقتی وارد شدی سلام می کردی!»



- حضرت محمد (ص) دربارهٔ سلام کردن فرموده است:
- \* وقتی یک دیگر را می‌بینید به هم سلام کنید.
  - \* همیشه با صدای بلند سلام کنید و جواب سلام را هم با صدای بلند بدھید.
  - \* کسی که اول سلام کند، خدای مهربان او را بیشتر دوست دارد.

در جاهای خالی کلمه‌های مناسب بنویسید.

### صدای بلند – سلام کنید

- ..... – وقتی که یک دیگر را می‌بینید به هم سلام کنید و جواب سلام را هم با صدای بلند بدھید.
- ..... – همیشه با صدای بلند سلام کنید و جواب سلام را هم با صدای بلند بدھید.

# سلام

خوش رو و مهربانیم  
سفراش اسلام است  
به خواهر و برادر  
اوّل سلام گوییم  
بهتر ز هر کلام است

ما پیرو قرآنیم  
عادت ما سلام است  
به پدر و به مادر  
با هر که روبرو شویم  
نشان دین، سلام است



کار در کلاس

این شعر را در کلاس بخوانید.

## آداب غذا خوردن



حمید قبل از غذا خوردن دست‌های خود را می‌شوید.



حمید غذا خوردن را با نام خدا شروع می‌کند.



حمید همیشه به اندازه‌ی کافی غذا برمی‌دارد.



حمید همیشه آرام غذا می‌خورد.



حمید همیشه بعد از غذا خوردن خدا را شکر می‌کند.



حمید همیشه بعد از غذا خوردن دندان‌هایش را مسواک می‌زند.

## پسر پاکیزه



علی پسر مرتب و پاکیزه‌ای است.



علی به موقع به حمام می‌رود.



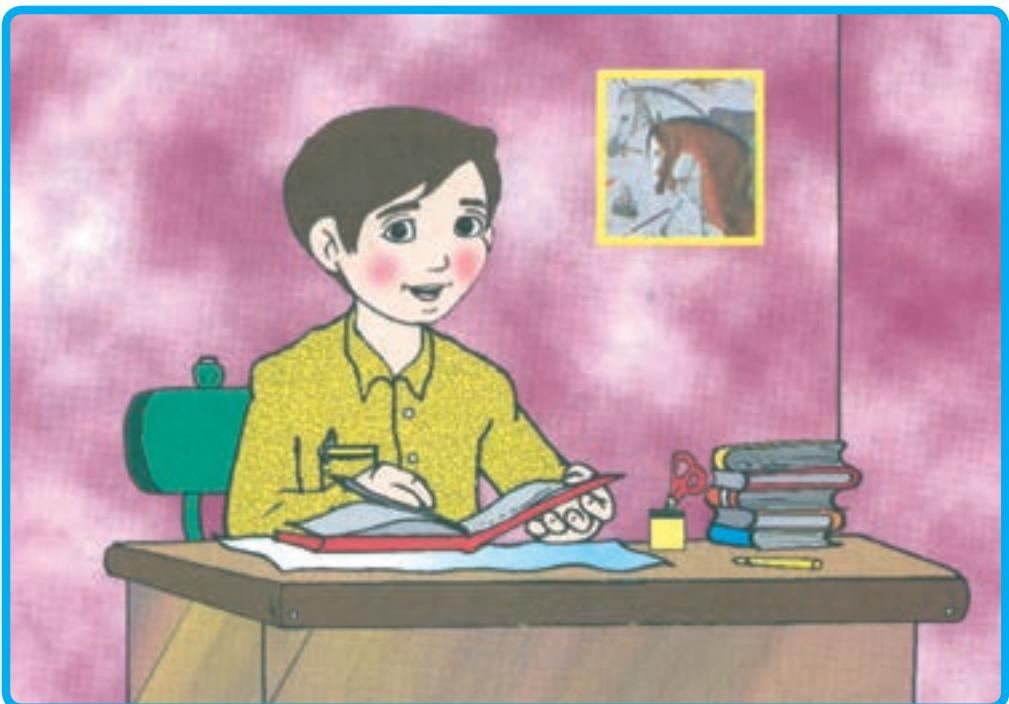
علی همیشه موهای خود را شانه می‌زند.



علی به موقع ناخن‌های خود را کوتاه می‌کند.



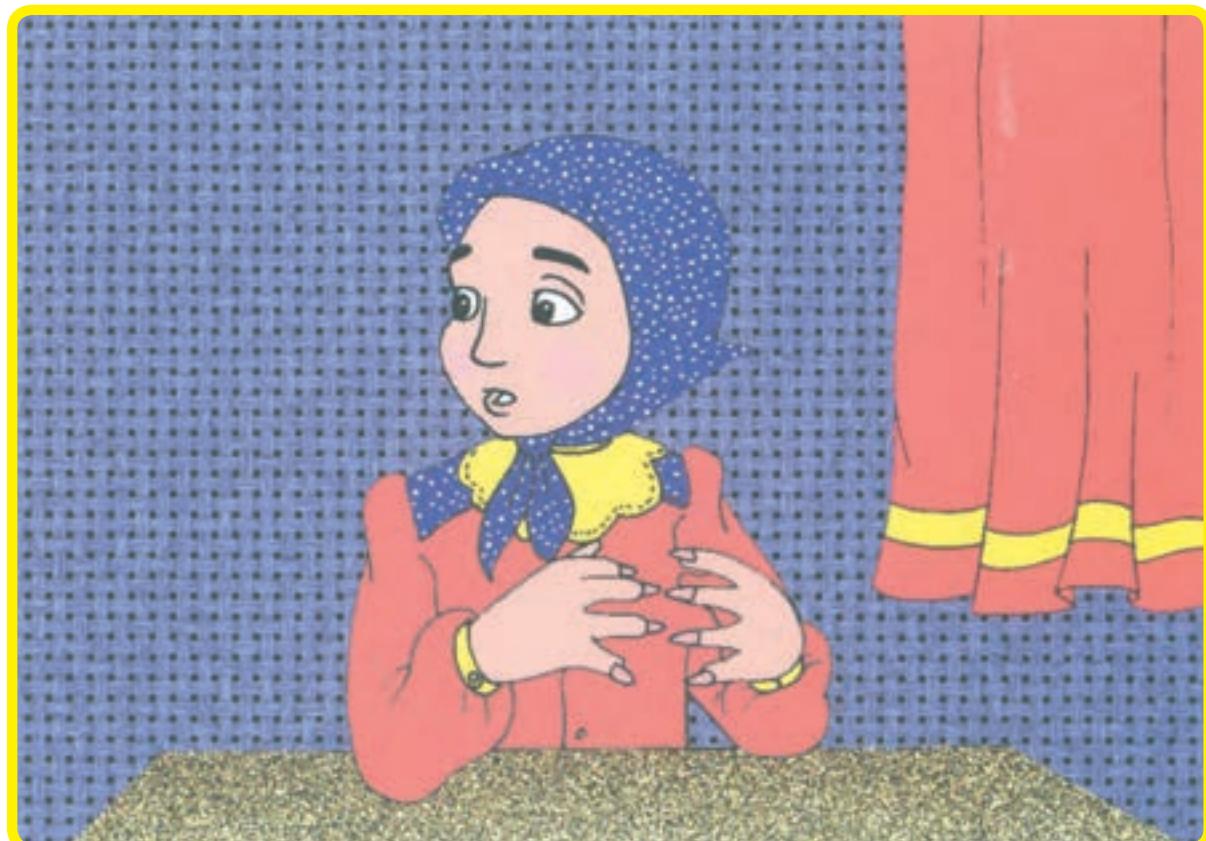
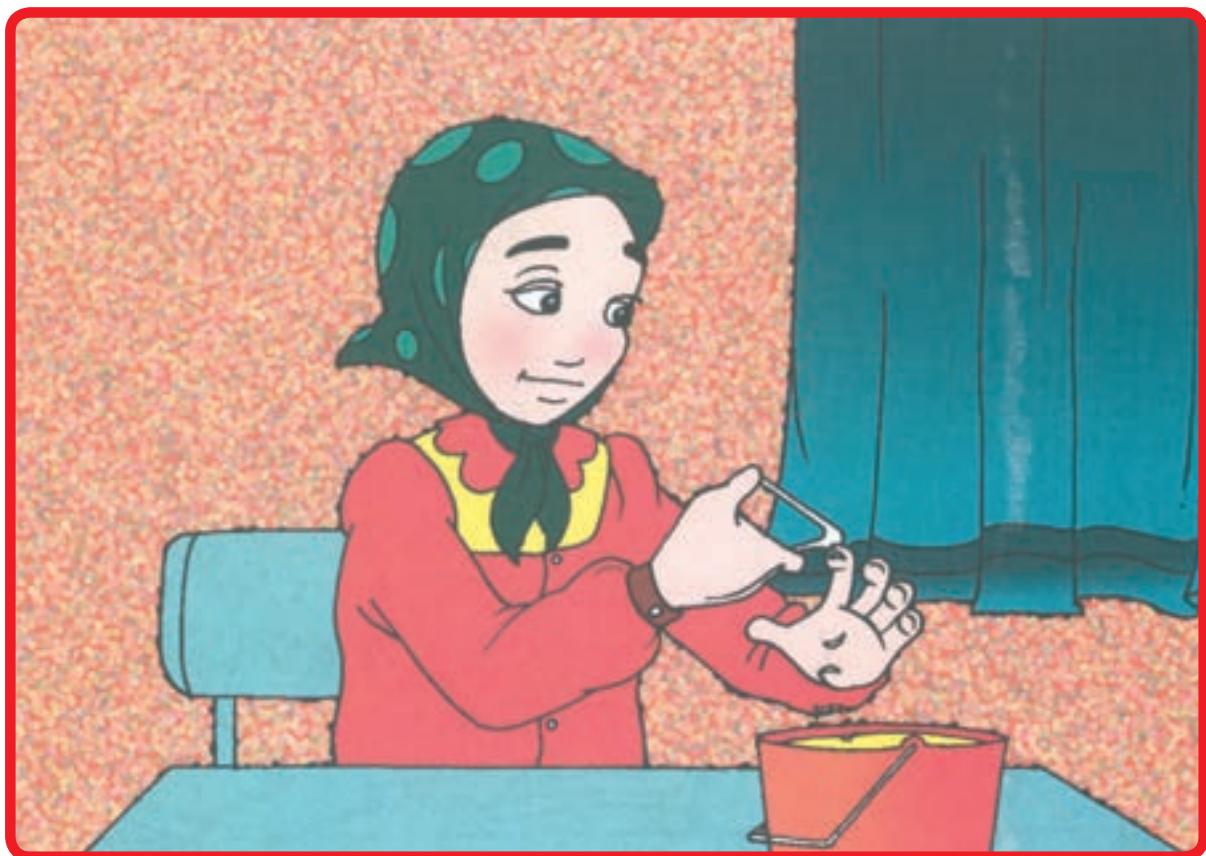
علی بعد از خوردن هر غذا، دندان‌های خود را مسواک می‌زند.



علی دفترها و کتاب‌های خود را جلد می‌کند تا پاره و کثیف نشود.  
علی می‌داند، خدای مهربان انسان‌های مرتب و پاکیزه را دوست دارد.

کدام دانش آموز پاکیزه است؟ با علامت (×) نشان دهید.



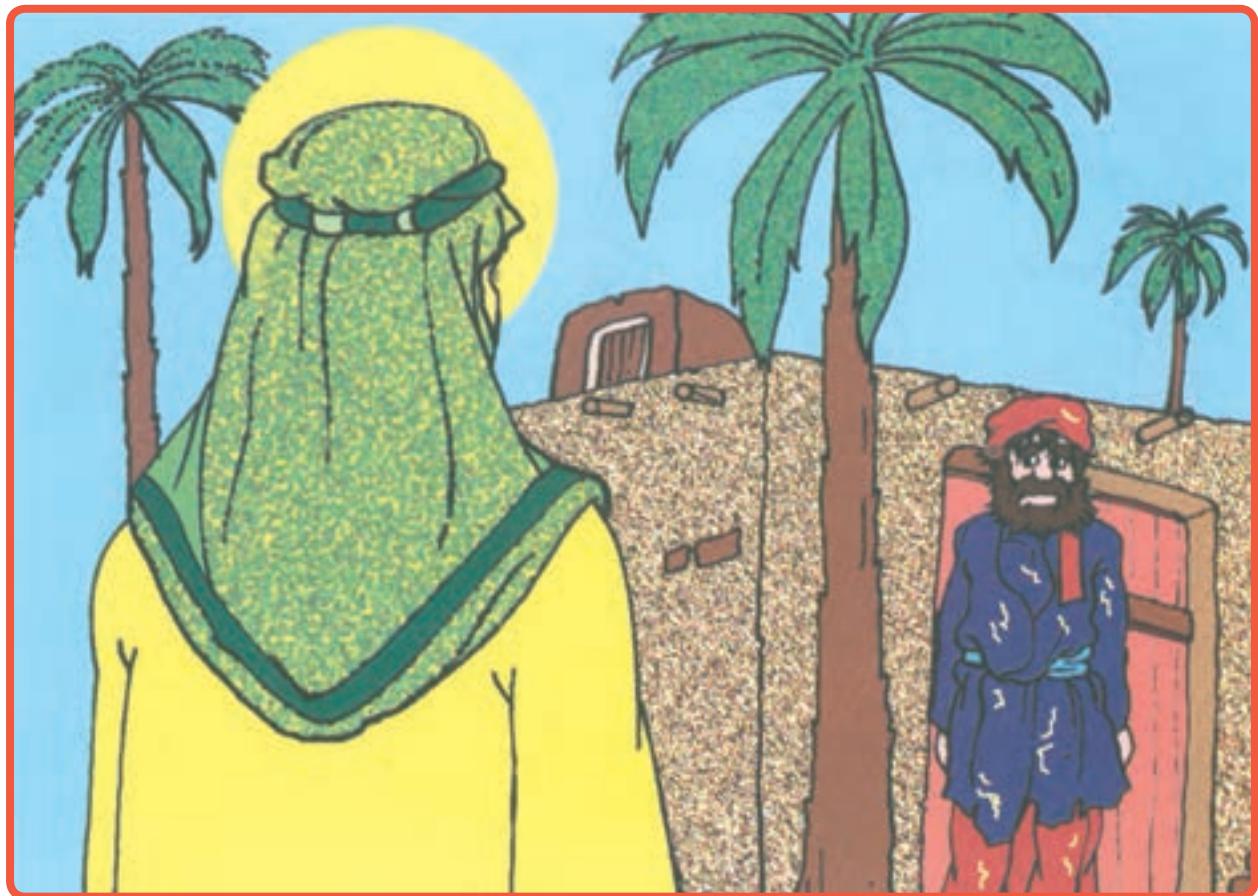






خدا، کودکان مرتب و پاکیزه را دوست دارد.

## پاکیزه باشیم



یک روز، حضرت محمد (ص) مردی را دید که موهايش را شانه نکرده بود،  
دست و صورتش کثیف و لباس‌هایش نامرتب بود.  
حضرت محمد (ص) از دیدن او ناراحت شد و به او گفت: «چرا این قدر نامرتب  
هستی؟! مگر نمی‌دانی خداوند کسانی را که مرتب و پاکیزه هستند دوست دارد؟  
پس ما باید همیشه تمیز باشیم و از آب برای پاکیزگی استفاده کنیم.»

آن مرد پس از شنیدن سخنان حضرت محمد (ص) تصمیم گرفت همیشه مرتب و تمیز باشد.

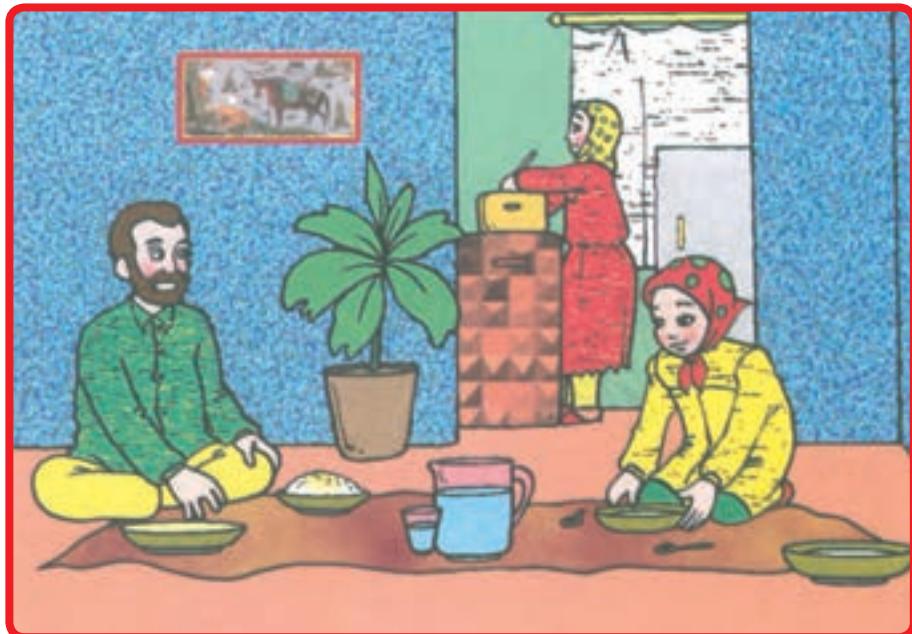


کار در کلاس

این داستان را در کلاس تعریف کنید.

## به پدر و مادر خود خوبی کنیم

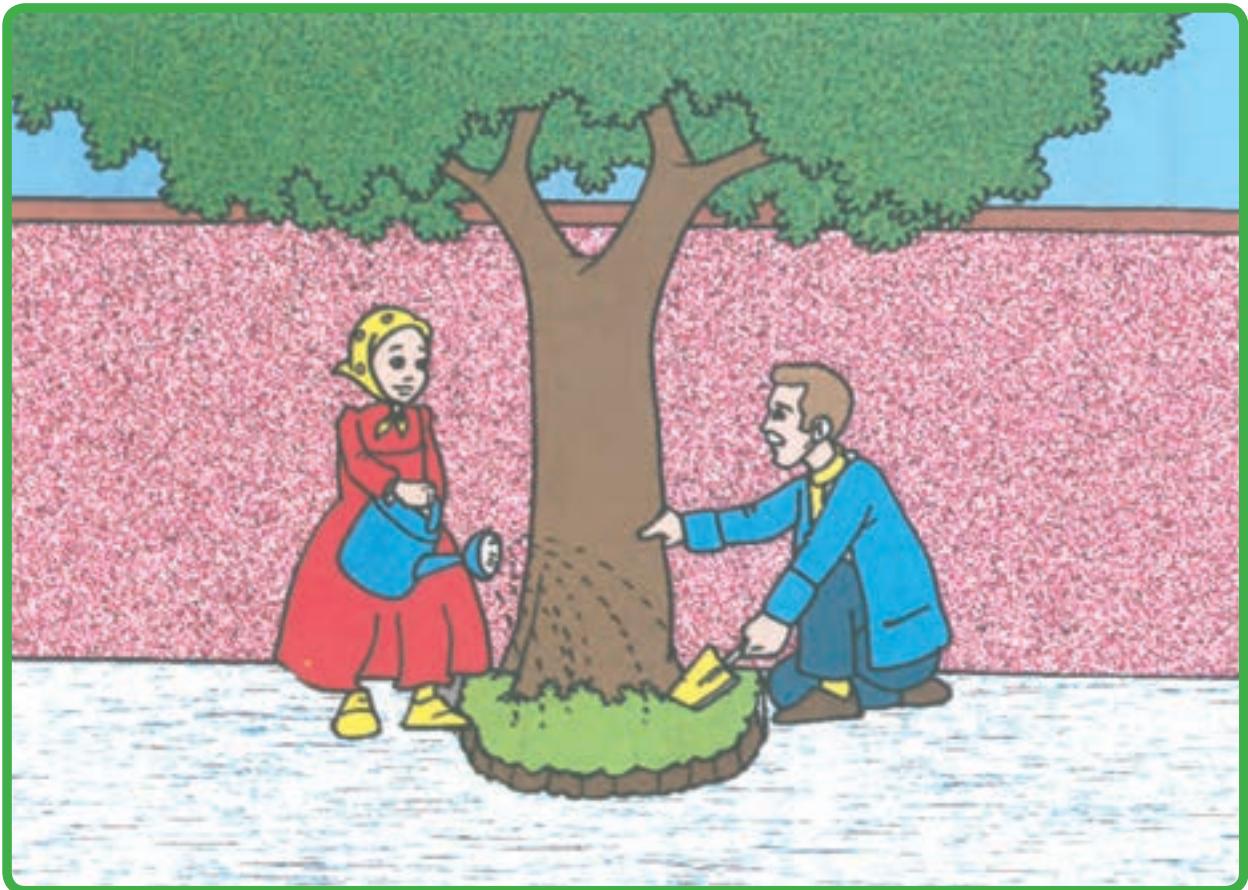
زهرا مادر و پدرش را دوست دارد. او همیشه کارهایی انجام می‌دهد که آنها خوش حال شوند.



زهرا در خانه به مادر خود کمک می‌کند.



زهرا به حرف مادر و پدر خود گوش می‌دهد.



زهرا در انجام دادن کارها به پدرش کمک می‌کند.

زهرا می‌داند، خوبی به مادر و پدر خدا را خوش حال می‌کند.

در جاهای خالی کلمه‌های مناسب بنویسید.

خدا - کمک می‌کند - گوش می‌دهد

۱- زهرا در خانه به مادر خود .....

۲- زهرا به حرف مادر و پدر خود .....

۳- خوبی به مادر و پدر ..... را خوش حال می‌کند.

## کمک به دیگران

سعید پسر خوب و مهربانی است. او دوست دارد به همه کمک کند.



سعید به کسانی که پیر هستند کمک می کند.



سعید در مدرسه به دوستان خود کمک می کند.

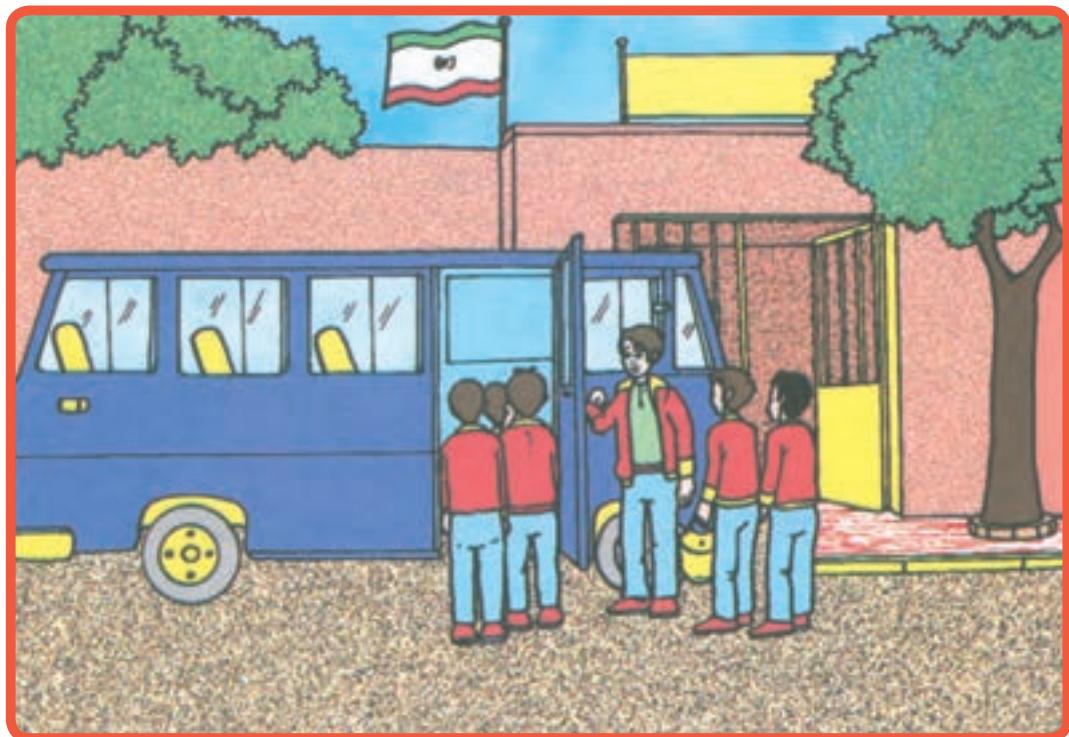
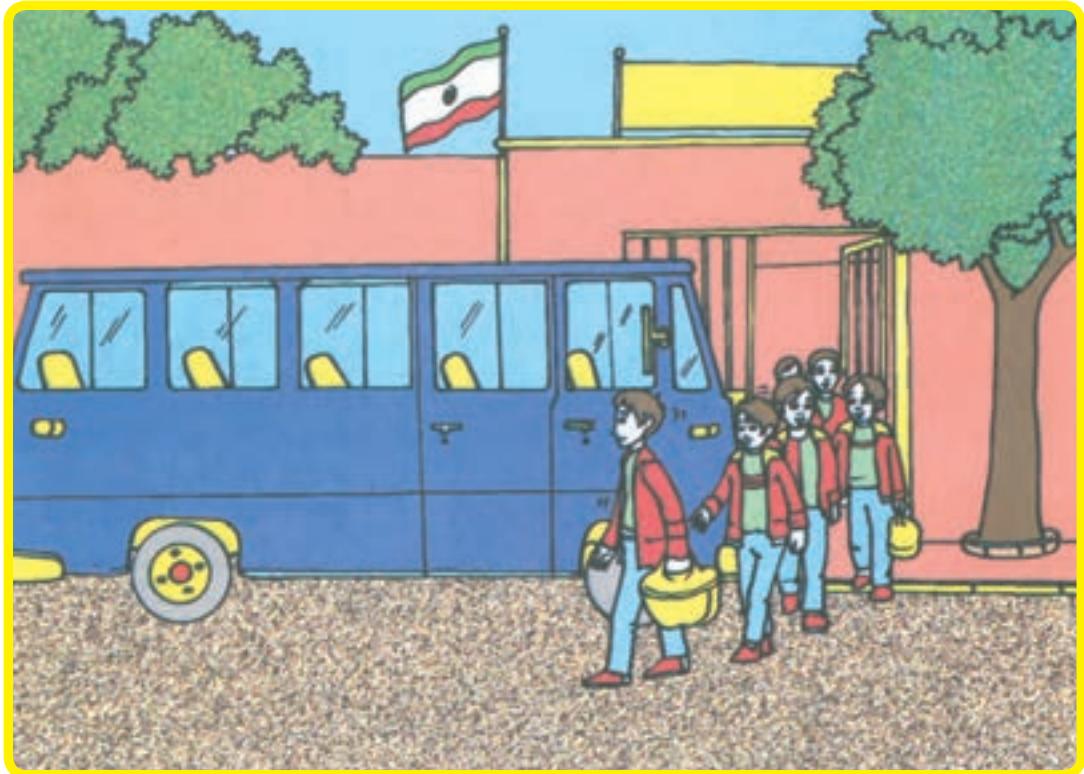


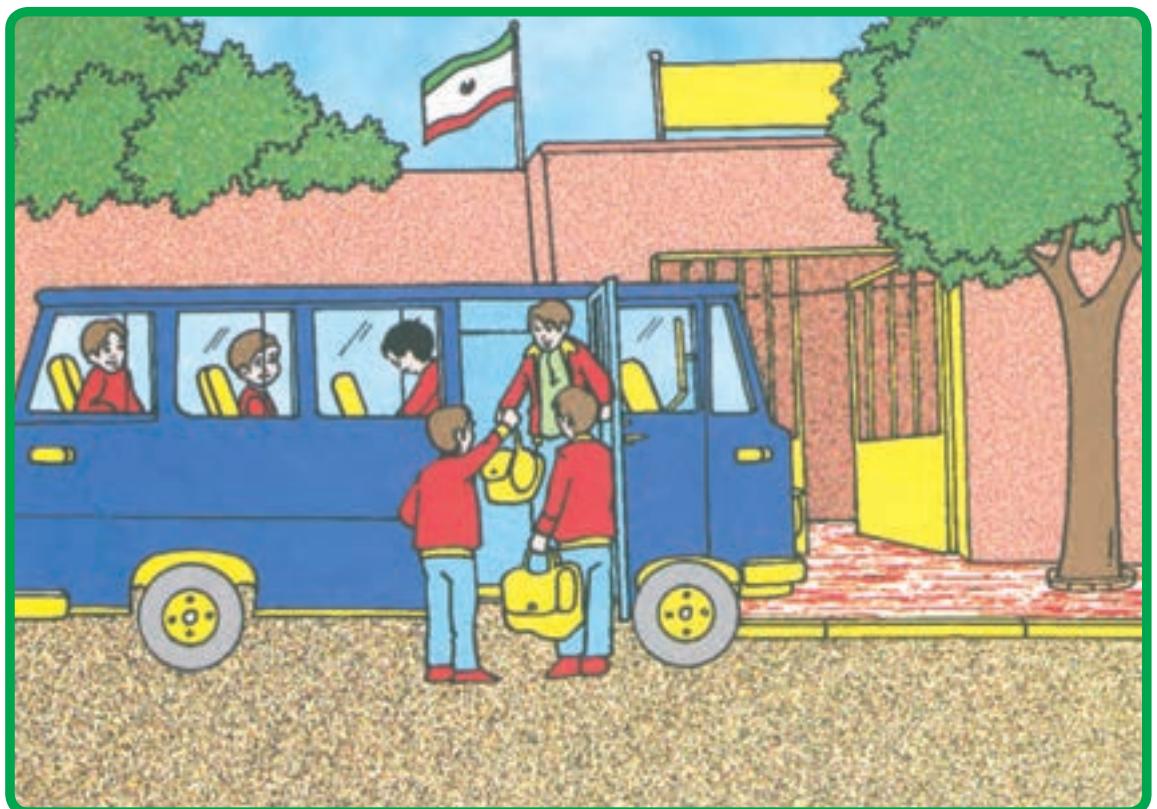
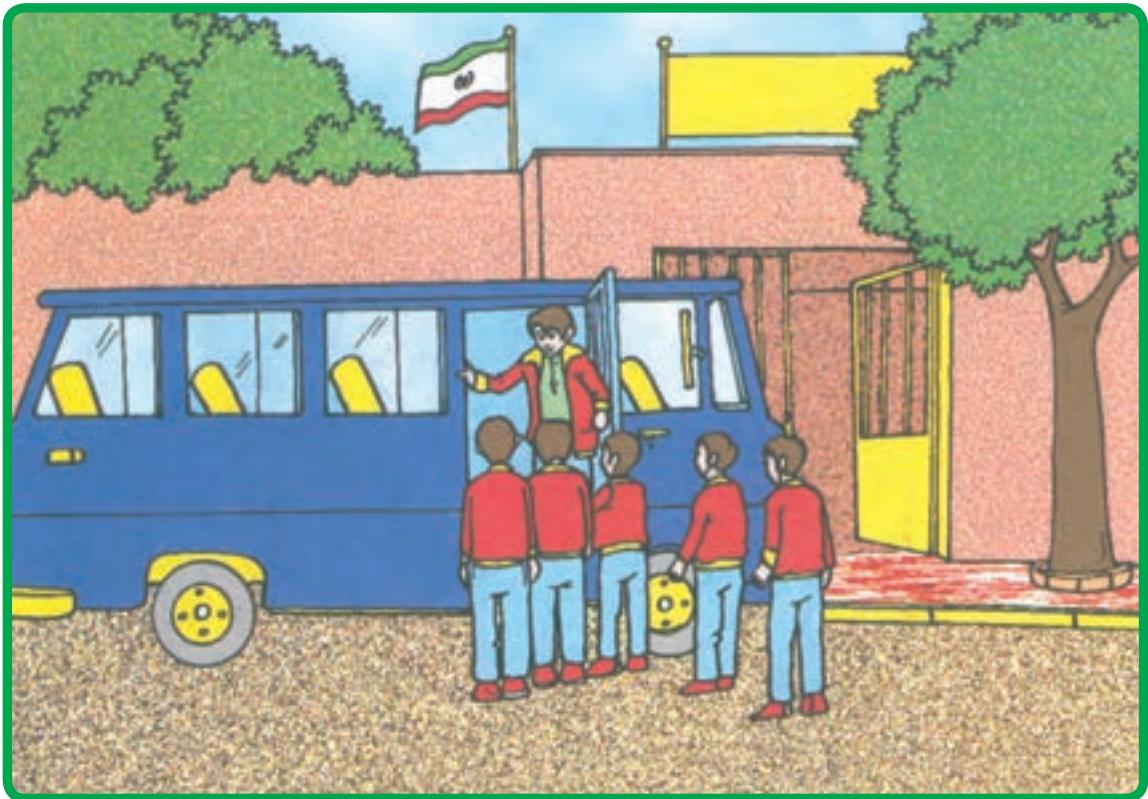
سعید در انجام دادن کارها به آموزگار خود کمک می‌کند.



سعید در انجام دادن کارها به مادر خود کمک می‌کند.  
خدای بزرگ و مهربان، دوست دارد که ما به یک دیگر کمک کنیم تا بتوانیم  
زندگی بهتری داشته باشیم.

برای شکل‌های زیر یک داستان تعریف کنید.





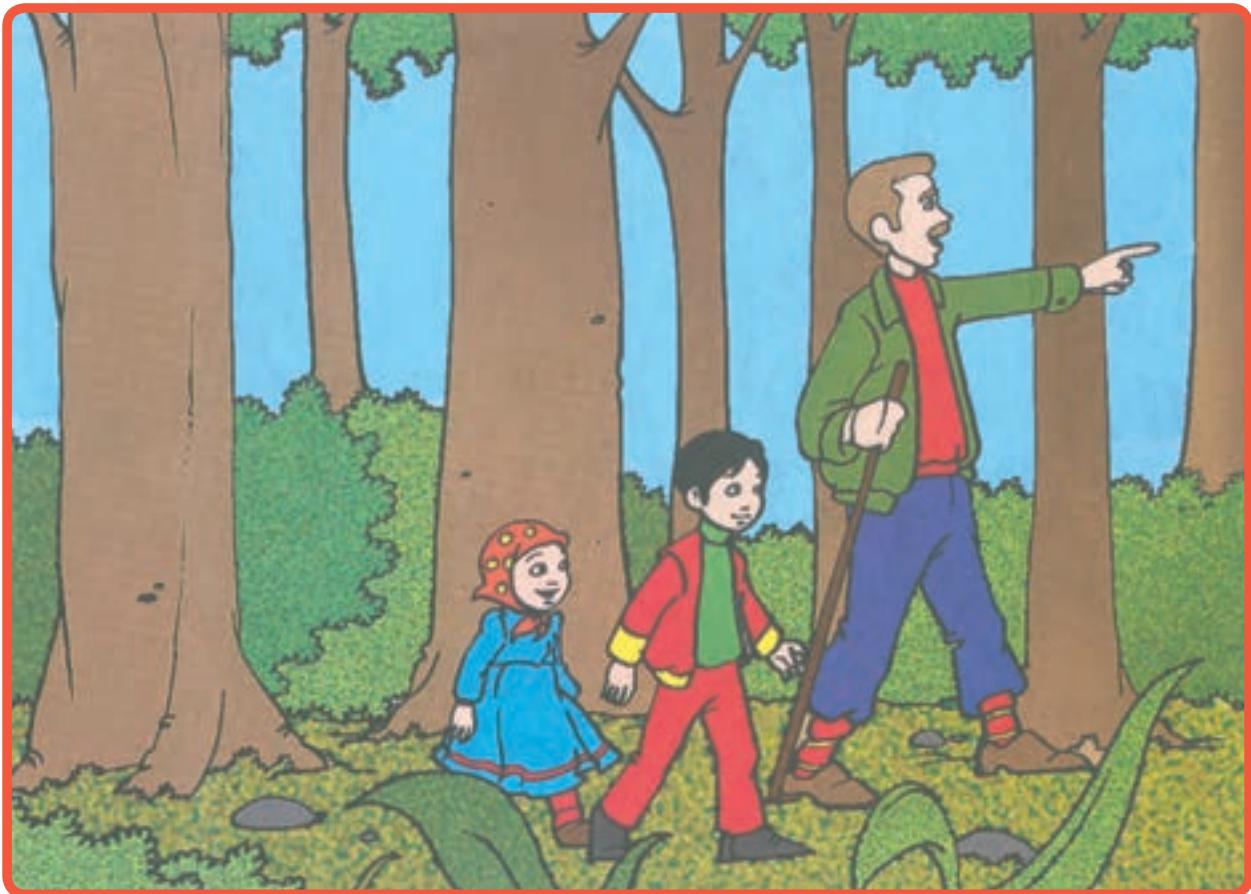
## راهنما کیست؟



روزی، مریم و مجید با پدر، مادر و عمومی خود به پارک جنگلی رفتند. بعد از مددتی مجید از پدر اجازه خواست تا با مریم به جاهای دیگر پارک ببرود.



پدر گفت: شما پارک را نمی‌شناسید. ممکن است راه را گم کنید. بهتر است با عموجان بروید.



عموجان با این پارک و راههای آن آشنا است. او می‌تواند راهنمای خوبی باشد  
و راه درست را به شما نشان دهد.



پس از مذّتی، مجید و مریم با عموی خود بازگشتند. مجید به پدر گفت: راستی!  
چه خوب شد که عموجان با ما آمد و ما راهنمای داشتیم اگر او همراه ما نبود، راه را  
گم می‌کردیم.

کار در کلاس

این داستان را در کلاس تعریف کنید.

## پیامبر بهترین راهنمای



مریم و مادرش درباره‌ی چیزهایی که چند روز قبل در پارک جنگلی دیده بودند با هم صحبت می‌کردند. مریم گفت: «راستی مادرجان! راهنمایی عموجان در پارک جنگلی به ما کمک کرد تا چیزهای زیادی یاد بگیریم.»

مادر گفت: بله دخترم، داشتن راهنمای در زندگی برای ما لازم است.

خدای مهربان هم، چون ما را دوست دارد، بهترین راهنمایی را برای ما فرستاده است. به این راهنمایی، «پیامبر» می‌گویند.  
پیامبر ما را راهنمایی می‌کند و راه درست زندگی کردن را به ما نشان می‌دهد.

### پرسش

- ۱- بهترین راهنمایی برای ما چه کسی است؟
- ۲- چه کسی بهترین راهنمایی را برای ما فرستاده است؟

